خبر

عمادالدین باقی آزاد شد

■ **ایسنا:** وکیل مدافع عمادالدین باقی از آزادی موکلش پس از سپری شدن دوران محکومیت وی خبر داد. صالح نیک‌بخت، روز گذشته با بیان این مطلب اظهار کرد: موکلم به اتهام تبلیغ علیه نظام و تبانی علیه امنیت کشور از سوی دادگاه بدوی به شش سال حبس محکوم شد. پس از اعتراض به رای صادره پرونده در شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مطرح شد و با توجه قضات دادگاه به محتویات پرونده و دفاعیات وکلا، موکل از اتهام تبانی علیه امنیت کشور تبرئه شد. وی ادامه داد: از آنجایی که پیش از این عمادالدین باقی به اتهام تبلیغ علیه نظام از سوی شعبه دیگر نیز محکوم شده بود، با درخواست تجمیع پرونده‌ها و اعمال ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مجازات تبلیغ علیه نظام در پرونده حذف و همان مجازات سابق اعمال شد که پس از سپری کردن دوران محکومیت یک ساله در خصوص اتهام تبلیغ علیه نظام، موکل امروز از زندان آزاد شد. وکیل مدافع باقی یادآور شد: تبرئه موکل از اتهام تبلیغ علیه نظام ناشی از دقت قضات شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر به دفاعیات ما بود و این امر نشان می‌دهد در میان قضاتی که به جرایم امنیتی رسیدگی می‌کنند، قضاتی حضور دارند که دفاعیات مستدل و قانونی وکلا را مورد توجه قرار می‌دهند.

اطلاعیه هیات نظارت بر مطبوعات درباره توقیف «نشریه ۹دی»

■ هیات نظارت بر مطبوعات، صبح امروز در خصوص توقیف نشریه ۹ دی اطلاعیه‌ای صادر کرد. اطلاعیه این هیات به این شرح است:هیات نظارت بر مطبوعات در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۳ با حضور تمام اعضا و با لحاظ مر قانون اقدام نشریه «۹دی» مبنی بر درج کاریکاتور با لباس روحانی را به لحاظ توهین به کسوت مقدس روحانیت جرم دانسته و حکم به توقیف و ارجاع آن به دادگاه نمود.این اقدام به جهت حفظ ساحت ارزش‌های دینی، مقدسات اسلامی و حرمت شرعی روحانیت بوده است و با نگاه به سابقه احکام صادره هیات و استمرار این رویه به خوبی می‌توان دریافت که در برخورد با تمامی موارد مشابه، هیات همواره تصمیم مذکور را اتخاذ کرده است.بر این اساس هرگونه اظهارنظر غیرواقعی و مرتبط خواندن اقدام قانونی هیات نظارت بر مطبوعات به دسته‌بندی جناحی و سلیقه‌ای، مردود و ایراد اتهام به جایگاه قانونی این هیات است که طبق ماده «۱۰» قانون مطبوعات اعضای آن، افرادی صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی و مومن به انقلاب اسلامی می‌باشند. از این رو اظهاراتی از این قبیل، از حیث اخلاقی مذموم و از نظر حقوقی، قابل پیگیری است.

نظر رییس دیوان عدالت درباره اجرای قانون

■ **ایسنا:** رییس دیوان عدالت اداری گفت: در اجرای قانون باید از خود شروع کنیم و بعد به سراغ بقیه برویم. حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری روز گذشته در جلسه هیات عمومی دیوان با بیان اینکه بعضی از مقامات به صراحت مخالفت با قانون می‌کنند و به قانون عمل نمی‌کنند و به مقابله با اجرای قانون می‌پردازند، اظهار داشت: شما عزیزان بر اساس قوانین و مقررات رای صادر و تلاش فراوان می‌کنید و به آنها ابلاغ می‌کنید اما آنها تبعیت نمی‌کنند و مقاومت می‌کنند، اگر ما آنها را به سوال بکشانیم و خود به قانون عمل نکنیم آنها خواهند گفت، اگر اجرای قانون خوب است چرا خودتان اجرا نمی‌کنید، پس ما که مدعی حراست و حفاظت و صیانت از قانون در دستگاه قضایی هستیم باید پایبند به قانون باشیم. رییس دیوان عدالت اداری گفت: ما حکم به قانون می‌دهیم ولی بعد مسوولان صدایشان بلند می‌شود. نمایندگان مجلس می‌گویند: این قانون ابلاغ شد اجرا نمی‌کنند، اگر مملکتی می‌خواهد رو به کمال و سازندگی و سعادت حرکت کند باید در چارچوب اجرای قانون گام‌های مهم بردارد. اگر بنا باشد دستگاه‌های اجرایی خصوصا مقامات بلند پایه کشور تبعیت صرف از قانون نداشته باشند، انتظار پیشرفت نمی‌توانیم داشته باشیم اگر آقایی در یک مقام و جایگاه بلند خلاف قانون عمل کند این به آن معنی نیست که او از قانون پیروی نکرده، بلکه کار بدی انجام گرفته که به جامعه تسری پیدا می‌کند و افراد عدم اجرای قانون را الگو قرار می‌دهد.

تاکید بر تشکیل نهاد مستقل برای امر به معروف و نهی از منکر

■ **ایسنا:** یک مرجع تقلید با بیان اینکه وقتی امر به معروف و نهی از منکر حذف می‌شود، بسیاری از قوانین بدون ضمانت اجرا باقی می‌ماند، اظهار داشت: در صورتی که اگر امر به معروف و نهی از منکر جنبه عمومی داشته باشد، هرگز یک مسوول نمی‌تواند با اجرای قانون مخالفت کند و بگوید من نمی‌خواهم فلان قانون را اجرا کنم. آیت‌الله مکارم شیرازی روز گذشته در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های کشور با اشاره به اهمیت مساله امر به معروف و نهی از منکر خاطرنشان کرد: تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نباشد، هیچ قانونی ضمانت اجرا ندارد. وی افزود: قانون وقتی ارزش دارد که ضمانت اجرا داشته باشد. ضمانت اجرای مهم، امر به معروف و نهی از منکر است. در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که اگر این دو فریضه اجرا شود، امنیت در همه جا حاکم، اقتصاد سالم و جلو ظلم و ستم‌ها گرفته می‌شود. این مرجع تقلید در ادامه، خواستار تشکیل نهاد و تشکیلاتی مستقل و مردمی برای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه شد و با اشاره به معایب وابسته بودن این تشکیلات به دولت تصریح کرد: باید در این خصوص تشکیلات مستقلی باشد که کاملا جنبه مردمی داشته باشد و تحت فشار هیچ نیرویی نباشد.

گفت‌وگو با محمدحسین رستمی، مدیر سایت عماریون

برکناری متکی نتیجه عملکرد ما بود

شرق، سروش فرهادیان: گفت‌وگو با مدیر یک سایت شاید به خودی خود خیلی مهم نباشد. اگر هم مهم باشد جایش احتمالا در صفحه تکنولوژی یا آی.تی روزنامه است. گفت‌وگو با مدیر سایت «عماریون» را یک ماه پیش انجام دادم. محمدحسین رستمی خوب حرف می‌زند. حزب‌اللهی است و از تیپ ظاهرش هم می‌توان به این موضوع پی برد. نخست قرار بود ساعت پنج صبح در حسینیه صنف لباس‌فروشان تهران -یعنی همان جایی که پاتوق بچه حزب‌اللهی‌هاست- گفت‌وگو کنیم که نشد. می‌گوید زمانی مشاور احمدی‌نژاد هم بوده. جنس خودش را «سایبورگ» می‌داند و بر این باور است که در تهران نخستین بار پدر او کامپیوتر خانگی داشته. اگرچه موضوع جریان انحرافی از اردیبهشت به مد روز اصولگرایان بدل شده و سران آنها به صورت روزانه نسبت به وجود جریان عجیب و غریب و خوف‌انگیزی که می‌خواهد فلان و بهمان کند، خبر می‌دهند؛ اما شاید باورتان نشود گروهی وجود دارد که از اواسط سال گذشته نسبت به وجود این جریان به اصولگرایان هشدار می‌داده. به آرشیو سایت عماریون که نگاه می‌کنی، می‌بینی هم و غم‌شان را گذاشته‌اند تا خبر پشت خبر منتشر کنند و هشدار پشت هشدار بدهند. سایت عماریون، سایتی است که روزانه از جن‌گیرها، جن‌گیری، رمالان و رمال‌گری خبر می‌دهد. نام‌شان هم تقریبا شبیه قرارگاهی است که همین چندوقت پیش نام‌هایی مانند حسین الله‌کرم، پناهیان، طایب، آشنا و... موجودیت آن را اعلام کردند. خودش و چند نفر دیگر از دوستانش از خانه، سایت را به‌روز می‌کنند و گله می‌کند از حزب اللهی‌هایی که قرار بوده کمک کنند در افشاگری‌هایی که سایت‌شان علیه جریان به قول او انحرافی منتشر می‌کنند که گویا نکرده‌اند. ناراحت است از این که قرار بوده دفتر و دستکی برایشان مهیا کنند و نکرده‌اند. محمدحسین رستمی از جوانانی است که در ستاد احمدی‌نژاد حضور داشته و فعالیت جدی سیاسی‌اش را آنجا آغاز کرده؛ حالا اما او منتقد دولت است. تند و تیز انتقاد می‌کند چنانکه انگار نه انگار در انتخابات سال‌های ۸۴ و ۸۸ در ستاد احمدی‌نژاد فعالیت می‌کرده. گفت‌وگو با مدیر سایت عماریون پر بود از حرف‌هایی که بعد از اتمام آن حاضر به انتشارشان نبود.

عکس: نوشین جعفری

■■■

سمت شما در سایت عماریون چیست؟

حقیر مدیر مسوول سایت هستم. سال ۸۴ ما گفتیم یک هوای تازه وزیدن گرفته...

اینکه شعار ستاد علی لاریجانی بود؟

البته ما وی را قبول داریم اما ملاک ما رهبریست و با کسی عقد اخوت نبسته‌ایم. ما اگر هم با مشایی یا فردی مخالف هستیم چون امام خامنه‌ای در نامه سال ۸۸ به دکتر احمدی‌نژاد فرمودند، البته در حدود دو سال پیش فرمودند مشایی مساله اصلی نیست و فرعی است. اما باید مساله فرعی را باز کرد و به مردم توضیح داد. مثالی برای شما بزنم؛ آیا کراک در جمهوری اسلامی مساله فرعی یا اصلی نظام و مردم است؛ خب نه! اما آیا نباید به آن پرداخت؟

روند شکل‌گیری سایت عماریون از کجا شروع شد و چه شد به این نتیجه رسیدید که سایتی ایجاد کنید که در آن، اینچنین بی‌پروا به برخی می‌تازید؟

من در یکسری از سایت‌های خبری مانند صراط و رجا و چند سایت دیگر خبرنگار بودم. با اینها مشکل پیدا کردم و زدم بیرون. مردادماه سال گذشته در وزارت رفاه کار می‌کردم که این سایت را راه انداختیم. عماریون مرداد و شهریور ۸۹ ثبت شد.

هزینه‌های راه‌اندازی سایت چطور تامین شد؟

مدیرکل بازرسی یکی از وزارتخانه‌ها هزینه‌های ابتدایی سایت را به ما پرداخت می‌کرد.

بر چه اساسی و از کدام منبع؟

من منبع این پرداخت‌ها را نمی‌دانم اما آقای مدیرکل به من گفت، تو چون تجربه کار خبری داشتی بیا و یک سایت برای ما راه بنداز. الان هم بر سر مالکیت این سایت اختلاف‌نظر هست بین ما و این بنده‌های خدا.

کدام بنده‌های خدا؟

بین ما و آقای «مت...» به عنوان مدیرکل بازرسی که از مسوولان ارشد ستاد انتخاباتی آقای احمدی‌نژاد بودند و از نزدیکان آقای محصولی. وی قرار بود یکی از وزرا باشد که نشد. قرار بود رییس سازمان حج بشود که آن هم نشد.

ایده تشکیل سایتی به نام عماریون متعلق به چه کسی بود؟

ایده من بود. چون آقا آمدند و فرمودند: «این عمار؟» ما در رسانه‌ها عمار ندیدم پس این رسانه را راه انداختیم. این سایت پاسخی به ندای این عمار آقا بود.

چه شد که این ایده شکل گرفت؟

من آن موقع ۲۰ سالم بود اما از دوران نوجوانی کار سیاسی می‌کردم در گروه‌های مذهبی که به نام حزب‌الله معروف بودند.

همان‌طور که گفتم ما سال ۸۴ دیدیم یک هوای تازه‌ای در کشور وزیدن گرفته، چه در جبهه نخبگان چه آن طرف. البته این را هم بگویم که اگر آن‌وری‌ها روی یک نفر می‌بستند، انتخابات را می‌بردند.

خب این چه دلیلی برای رویش نخبگان است؟

شما افرادی را می‌دیدید که فکر نمی‌کردید روزی رییس‌جمهور بشوند. رویش احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی و همچنین روآمدن افراد جدید؛ باعث شد بنده و دوستانم در فضای سیاسی فعال‌تر شویم.

کجا زندگی می‌کردید؟

ما از ابتدای حیات‌مان بچه خاک پای سیدالکریم شاه عبدالعظیم بودیم و رعیت سیدالکریم (علیه السلام)؛ به قول آقای حجاریان بچه جایی هستیم که حاشیه بر متن غلبه دارد. طیف فکری ما هم حزب‌الله بود. حزب‌الله که عضو و غیرعضو نداشت اما در کارهایی که تشخیص می‌دادم به نفع اسلام و نظام است، شرکت می‌کردم.

مثل چه کارهایی؟

کفن پوشیدن‌ها و... که فکر می‌کنم به این زودی‌ها تکرار هم بشود. در سایت هم خبر احتمال کفن‌پوشی حزب‌اللهی‌ها علیه وضع کنونی را زده‌ایم. من به این کفن‌پوشی افتخار می‌کنم. داشتم می‌گفتم: در سال ۸۴ ما دیدم که آقای احمدی‌نژاد به ما نزدیک‌تر است؛ در نتیجه وارد ستاد وی شدیم که آقای بذرپاش هم رییس بود. عده‌ای جوان بسیجی بودیم که دور هم جمع شدیم؛ از انتخابات هیچ چیزی به معنای حرفه‌ای و غربی آن نمی‌دانستیم. بنده در ستاد مرکزی که مسوولش آقای بذرپاش بود، کار کردم. حقیر به این اعتقاد دارم که قلوب مردم دست خداست، چه وقتی که احمدی‌نژاد رای می‌آورد، چه وقتی که آقای خاتمی، رییس‌جمهور می‌شود و چه زمانی که بنی صدر رای می‌آورد.

در ستاد چه می‌کردید؟

کار رسانه‌ای می‌کردیم چون من از ۱۳، ۱۴ سالگی کار خبری و تبلیغاتی می‌کردم به این امور آشنا بودم. پدر من اولین کسی است در تهران که کامپیوتر داشته؛ فکر کنم از سال ۶۸ وی کامپیوتر داشته‌اند و به خاطر همین من جنسم سایبورگه.

خب انتخابات برگزار شد و احمدی‌نژاد رییس‌جمهور؟

فیلم «آژانس شیشه‌ای» را دیده‌اید که بازیگر نقش جانباز بسیجی می‌گوید: «بعد از جنگ برگشتیم سر زمینمون بی‌تراکتور»؛ حقیر هم قبل از انتخابات تفحص بودم و بعد هم برگشتم سر تفحص. بنده از دوران نوجوانی و دانشجویی منطقه می‌رفتم.

چند وقت تفحص بودید؟

۱۳ ماه. تفحص تعطیل شد و رفتم ستاد احمدی‌نژاد. بعد از پیروزی دوستان رفتند پست گرفتند و ما برگشتیم منطقه. بعد هم یکسری نهادها به دلیل سابقه خبری که من داشتم، خواستند برایشان بولتن خبری درست کنم.

چه نهادهایی؟

نمی‌توانم بگویم. بعد دوستان به من گفتند تو زن و بچه‌داری و بچه‌ات گناه دارد. به من گفتند برگرد تهران چون ممکن است شهید بشوی. من هم برگشتم و در حراست سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور مشغول به کارشدم. یک مدت ماندم تا اختلاف پیدا کردم با جوان‌هایی که تا قبل از ۸۴ غاز می‌چراندن ولی بعد از پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات به الاف و الوف رسیدند.

یعنی چه؟

یعنی طرف نمی‌دانست فرق کاغذ گلاسه و کاهی چیست بعد ناگهان شد مدیرکل روابط عمومی فلان اداره. آقایان به صرف حضور در ستاد پست گرفتند. مثلا همین آقای... که شد مدیر کل بهزیستی حتی کارت پایان خدمت وی هم مجعول بود، تخصص هم نداشت.

اما گویا دکترا دارند؟

اگر دکتر است مدرکش را بیاورد، حالا اصلا دکترا هم داشته باشد که ندارد؛ خوب که چه؟ مدرک دکترا چه قلابی و چه حقیقی، آیا مدارک دانشگاهی جای تقوا را می‌گیرد؟ یا مایه رستگاری در آخرت می‌شود؟ این همه اشخاص دارای مدارک دکترای فراماسون در داخل و خارج چه می‌کنند؟ دکتر شدن در هیچ رشته‌ای موجب راه بردن به حق نمی‌شود؛ علم چندان که بیشتر خوانی - چون عمل در تو نیست؛ نادانی!

خب اینکه چه کسی در چه پستی باشد به نظر رییس‌جمهور بستگی دارد؟

صرف تشخیص کفایت نمی‌کند. این انتصاب‌ها برای این بود و هست که... بلندتر از خودش را نمی‌توانست بپذیرد. بنده دولت آقای خاتمی را در رابطه با تخصص محوری و اجرای سیاست‌های موفق اقتصادی بیشتر قبول دارم. بسیار موفق‌تر بود. چون خاتمی بلندتر از خودش را می‌توانست ببیند.

بعد از سازمان شهرداری‌ها کجا رفتید؟

یک مدت کار آزاد می‌کردم. مثلا شما اگر علی فائز را در اینترنت سرچ کنی، مقالاتی را پیدا می‌کنی که حقیر با نام مستعار به سایت‌های مختلف مثل الف می‌دادم. کارگاه خبرنگاری می‌گذاشتم. درس می‌دادم. عکاسی می‌کردم و عکس می‌فروختم. اما بعد از انتخابات سال ۸۸ دوستانی در دولت به ما گفتند بیا یکی از وزارتخانه‌ها. من هم رفتم وزارت رفاه.

پس در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، هم در ستاد احمدی‌نژاد بودی؟

بله. اگر همین الان هم با همین اطلاعات دوباره انتخابات برگزار شود با همان کاندیداها، من دوباره از احمدی‌نژاد حمایت می‌کنم.

خب چرا سایت علیه اطرافیان وی راه انداختید؟

چون اینها منحرف شده‌اند.

از چه؟

از خط حزب‌الله.

بعد رفتید وزارت رفاه؟

بله! به دلیل تجربه‌هایی که داشتم رفتم بازرسی وزارت؛ بعد آنها گفتند ما می‌خواهیم یک سایت بزنیم. من در بازرسی کار می‌کردم اما سایت را هم مدیریت می‌کردم. این را هم بگویم که ما حتی از اینترنت وزارت هم استفاده نمی‌کردیم. شرعا حرام بود. همه هزینه‌ها را هم آقای «مت...» پرداخت کردند. تا آذر ۱۳۸۹ همه چیز خوب پیش رفت. در آذرماه برادر عزیز و متعهد ما آقای رضا گلپور، آن نامه معروف را خطاب به مشایی نوشت. نامه را صبح منتشر کردیم و برای اینکه نتوانند فشار بیاورند، سر کار نرفتم. موبایلم را هم خاموش کردم اما اشتباه کردم و دسترسی به کارتابل‌های سایت را مسدود نکردم. ساعت ۱۰ شب گوشی را روشن کردم، آقای «مت...» که از مدیران آنجا بود و هزینه‌های ایجاد سایت را داده بود زنگ زد و گفت ما می‌خواستیم با مشایی بیعت کنیم بی‌خود کردی این نامه را منتشر کردی. گفتم شما که تا دیروز می‌گفتید مشایی ال است و بل. گفتند با نامه آقای گلپور، نظام به هم ریخته است شما باید نامه را از سایت بردارید. گفتم من در خیابان هستم و به محض اینکه به خانه برسم مطلب را از سایت بر می‌دارم. تا من به خانه برسم آنها خودشان مطلب را پایین آورده بودند. فردا من را از وزارت رفاه اخراج کردند و حتی حقوق چندماهه من را پرداخت نکردند. من هم دسترسی اینها به کارتابل‌های مدیریتی سایت را بستم و با تعدادی از دوستان از خانه‌هایمان فعالیت سایت عماریون را ادامه دادیم. بعد از این ما شدیم «اخ» و «چیز» و «ویز» دولت و شدیم ضد ولایت. نامه را هم سرانجام با فشار غیرمتعارف، غیرمعقول و غیر رسمی حذف کردند.

و بعد شما دوباره نامه را منتشر کردید؟

نه

چرا؟

چون دوستان گفتند شما کار خودت را کرده‌ای.

دوستان کی هستند؟

برادران‌مان در سایت‌های دیگر.

و فشار نامتعارف یعنی چه؟

مثلا از دفتر فلان مقام دولتی زنگ می‌زدند که باید نامه را بردارید. ما یک بمب منفجر کردیم که دولت باید هزینه‌اش را می‌داد و البته باید همچنان هزینه این نامه را بدهد؛ یا بیاید رسما نفی کند یا از ما شکایت کند. بالاخره در این نامه ما، اتهام‌هایی را متوجه چشم اسفندیار دولت کرده‌ایم؛ جالب است بدانید یکی از هزینه‌های این نامه برکناری متکی بود.

رابطه این نامه و حذف متکی چیست؟

نامه گلپور که در مورد مشایی بود به متکی چه ربطی دارد؟ گویا شما از اختلاف وزیر سابق امور خارجه و آقای احمدی‌نژاد اطلاعی ندارید؟! دولت برای اینکه یک جریان جدید فکری درست کند، متکی را با آن شرایط حذف کرد. ملی‌گراهای خارج نشین نزدیک به دولت هم در سایت‌هایشان، این تحلیل‌ها را زدند. یکی از دلایل عزل متکی، انحراف افکار عمومی از جریان ضد مشایی بود.

ملی‌گراها؟

مثلا خانم پریوش سطوتی، همسر مرحوم دکتر فاطمی.

خب بعد از اینکه از وزارت رفاه اخراج شدید خودتان سایت را بالا آوردید؟

بله. با کمک دوستان و از سر تکلیف. چون پول نبود و فقط تکلیف بود. جالب است بدانید ما در سایت‌مان مدرس دوره خبرنگاری هم به عنوان همکار داریم.

رابطه شما با قرارگاه «عمار» چیست؛ همین قرارگاه که هم اسمش شبیه شماست و هم شما خبرهایش را جزبه‌جز پوشش می‌دهید؟

سمتی ندارم.

یعنی رابطه‌ای میان شما با قرارگاه عمار نیست؟

این قرارگاه خیلی بعد از سایت ما تشکیل شد.

یعنی نخست رسانه تشکیل شد بعد ارگان؟

خب هم تاریخ ثبت سایت عماریون مشخص است هم قرارگاه عمار، ما در مرداد ماه ۱۳۸۹ سایت را ایجاد کردیم اما قرارگاه عمار ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۰ ایجاد شده است.

خب بالاخره سایت عماریون رسانه قرارگاه عمار هست یا نه؟

می‌تواند باشد. غیر از ما سایت‌های بی‌باک و صراط هم هستند. حتی اگر خبری باشد خبرگزاری فارس هم منتشر می‌کند.

یعنی قرارگاه عمار نتیجه منطقی سایت عمار است؟

می‌تواند برداشت شما درست باشد اما به همه اعلام می‌کنیم که عماریون یک اتفاق تازه است.

استقبال مخاطبان از سایت شما چطور بوده؟

خوب بوده. ما بیشتر مرکز انتشار برخی اخبار و مطالبی هستیم که بقیه نمی‌توانند آنها را منتشر کنند. الان حدود ۷۵۰۰ ای‌پی، بازدید از صفحه اول داریم و رنکینگ مادر سایت‌های ایرانی الان بالاتر از ۵۰۰ است.

رابط شما با قرارگاه عمار کیست؟

ما از این نوع ساختارها نداریم و نامتقارن هستیم.

خیلی به این واژه‌های نظامی علاقه دارید؟

شاید سوابق نظامی هم داشته باشم.

شما سنی ندارید که؛ کجا سابقه نظامی پیدا کرده‌اید؟

تمام جهان اسلام عرصه حضور ماست.

تمام مطالب سایت را با قرارگاه چک می‌کنید؟

نه. کسی حق ندارد در کار ما دخالت کند. مسوولیت این سایت با من است. قرارگاه عمار با انتشار خیلی از مطالبی که ما منتشر کردیم، موافقت ندارد.

واکنش‌ها به سایت شما چه بوده؟

من امروز که با شما صحبت می‌کنم از دادگاه برمی‌گردم چون شکایت‌هایی از سایت ما شده است.

همه خبرهایتان را یک شب می‌گذارید گویا؟

اخبار ویژه را یک شب می‌گذاریم که سایت‌ها بتوانند بردارند. حرفه‌ای‌گری است دیگر. این ساعت خبر را می‌زنیم تا نتوانند فشار بیاورند که خبر را حذف کنید.

از خبرهایی که منتشر می‌کنید این‌گونه به نظر می‌رسد که شما رسالت‌تان را فقط در انتشار اخبار به هدف افشاگری در مورد جریان معروف به جریان انحرافی می‌دانید؟

نه این‌گونه نیست، ما رسالت اصلی خود را در مبارزه با شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار می‌دانیم، اما اولین سایتی هستیم که این جریان انحرافی را به صورت علمی و متقن افشا کردیم. ما سال ۸۸ گفتیم، به همه هم گفتیم. خیلی‌ها توجه نکردند. ما خیلی بیش از اینها راجع به این جریان منحرف نفوذی ضدولایت اطلاعات داریم که منتشر خواهیم کرد.

تقریبا تمام اخبار سایت شما در مورد همین جریان مورد اشاره است و رد بسیاری از خبرها در این مورد یک‌جورایی به سایت شما بر می‌گردد؟

بله. تازه بیش از اینها سند داریم که هنوز کسی اطلاع ندارد.

واقعا؟

بله. ما سند داریم. فکر می‌کنید چرا تا به الان مشایی از ما به صورت شخصی و قانونی شکایت رسمی نکرده است، چون می‌داند ما چه اسنادی از او داریم.

شما سندهایی از مشایی دارید که رو کردید؟

بله. وزارت اطلاعات من را احضار کرد، گفت: این نامه آقای گلپور که منتشر کردید، شماره دو و سه هم دارد؛ گفتم شک نکنید. به ما تکلیف شود، می‌زنیم. ما آدم‌هایی هستیم که اگر بگوییم کاری را می‌کنیم حتما انجامش می‌دهیم.

تا به حال با شما برخورد شده؟

بله. یک‌بار به وزارت اطلاعات احضار شدم و امروز هم که رفتیم دادگاه. یکی شکایت رحیمی از سایت به دلیل انتشار نامه گلپور و دیگری نسبت دادن مشایی به فراماسونری. یک آقایی به نام غفاری که عکس‌اش را به اشتباه جای عباس غفاری، شیطان‌پرست گذاشتیم هم از ما شکایت کرده است.

و سایت را همچنان ادامه می‌دهید؟

بله. بدانند ما تا حذف جریان انحرافی ادامه می‌دهیم یا آنها ما را حذف می‌کنند یا ما آنها را حذف می‌کنیم. دیگر کسی اینها را شعیب نمی‌داند. آقا عزیز- فرمانده سپاه - و حاج علی فضلی و دکتر عبدالحسین الله‌کرم خیلی بیشتر به شعیب شبیه هستند.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **گردوغبار کم بود، شن و ماسه هم اضافه شده:** با این گردوخاکی که در هوای تهران وجود دارد، مردم را دچار مشکل کرده. علاوه بر اینکه شهرداری خودش هیچ اقدامی نکرده، بلکه از میدان کاج سعادت‌آباد تا میدان سرو در سطح پیاده‌روها شن و ماسه و گردوخاک ریخته و ۱۰ روز است که آنها را نیز جمع نکرده است. به این بهانه که درون درزهای موزاییک‌ها را پر کند. هیچ جای دنیا شن‌ریز روی سطح پیاده‌رو پخش نمی‌کنند که با وزش باد همه به حلق مردم برود.

یک شهروند

■ **یک پیشنهاد به دولت:** مسوولان که نتوانستند جلو خشک شدن دریاچه ارومیه را بگیرند و آثار مخرب نمک، مردم و کشاورزی منطقه را دچار دردسر کرده است، پیشنهاد می‌کنم دولت یک کارخانه تولید نمک حتی با صادرات خارجی در این محل ایجاد کند تا لااقل برای جوانان کار ایجاد شود.

آرمان از ارومیه

■ **در مورد اندیشمندان دیگر هم بنویسید:** روزنامه شما را که در مورد آقای شریعتی نوشته بودید، مطالعه کردم. می‌خواستم عرض کنم اندیشمندان دیگری هم در آن زمان بوده‌اند.

یک شهروند

■ **شهرداری منطقه ۸ رسیدگی کند:** میدان سبلان به محل صافکاری و نقاشی سیار خودروها تبدیل شده و این موضوع مشکلات فراوانی را برای ساکنان ایجاد کرده است. از شهرداری منطقه هشت تقاضا داریم این تعمیرکاران را ساماندهی کند.

حامد بریمانی از تهران

■ **مستاصل در پرداخت هزینه‌های درمان:** سازمان تامین اجتماعی شرایطی فراهم کند تا بیماران کم‌بضاعت و ندار به راحتی درمان شوند. برخی بیماران از بالا بودن هزینه‌های عمل جراحی به مطبوعات شکایت می‌برند، از جمله ۲۵ خرداد در ستون مربوطه. مطلبی درباره یکی از بیماران چاپ شد که پزشک جراح برای عمل جراحی او، دو میلیون تومان می‌خواهد، اما بیمار در پرداخت این مبلغ مستاصل مانده است!

امیر بابایی از عسلویه

■ **کلاهبرداری اینترنتی:** برای من یک پیامک آمده که شما در قرعه‌کشی برنده یک دستگاه خودرو دنا شده‌اید. اولا اینکه دنا هنوز ساخته نشده و اوایل سال ۹۱ به بازار خواهد آمد و ثانیا من به سایت‌شان رفتم و مشاهده کردم که گفتند ۴۵۰۰ تومان به حساب شرکت نیلوفر بریزید و احتمالا برنده خواهید شد. این کلاهبرداری است. شما خودتان هم می‌توانید سایت‌شان را مشاهده کنید.

یک مخاطب